



تاریخ گزاری سوره عنکبوت با تکیه بر نزول پیوسته آن

(صفحه ۱-۲۷)

دریافت:

۱۳۹۶ / ۴ / ۳۱

پذیرش:

۱۳۹۶ / ۵ / ۱۵

دکتر احمد امیرنژاد^۱

زهرا کلباسی^۲

چکیده

سوره عنکبوت برحسب دیدگاه بسیاری از مفسران، در زمره آخرین سوره‌های نازل شده در مکه است؛ لیکن دو گروه از مفسران قائل به نزول چندپاره این سوره شده‌اند. نخست کسانی که با تکیه بر شأن نزولی، آیه ۸ عنکبوت را مربوط به سال نخست بعثت دانسته‌اند. دوم، مفسرانی که با استناد به دو شأن نزول و گمان انحصار پدیده نفاق به مدینه، و شباهت آیات ابتدایی عنکبوت به دیگر آیات سور مدنی، قائل به نزول ۱۰ آیه اول سوره عنکبوت در مدینه شده‌اند؛ درحالی که شأن نزول آیه ۸ از قبیل مصداق بوده و ذیل سه آیه مشابه دیگر نیز ذکر شده است. هم‌چنان که تعارض اسباب ذیل ۱۰ آیه نخست و ارائه قرائنی مبنی بر اثبات نفاق در مکه، تصور مدنی بودن آیات مذکور را مخدوش ساخته است. از دیگر سو، با در نظر گرفتن هدف سوره عنکبوت که تهییج مسلمانان در برابر سختی دینداری است و توجه به زمان نزول این سوره که در آستانه هجرت مسلمانان به مدینه بوده، سیاق پیوسته آیات نخست به دیگر آیات سوره آشکار می‌شود. لذا، تمام سوره در اواخر بعثت نازل شده است و در آیات نخست نیز، مسلمانانی که به سبب مصائب مسلمانی به نفاق گراییده، پنهان با مشرکان مصالحه کرده، و از هجرت سرباز می‌زده‌اند، عتاب شده‌اند.

کلید واژه‌ها: مکی و مدنی، نزول پیوسته، نزول گسسته، نزول متداخل.

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان
۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان
zhrakalbasi@gmail.com

درآمد

آیات سوره عنكبوت از حیث مضامین به ۵ بخش تقسیم شده است. نخست، آیات ابتدایی که قاطعانه به مسلمانان خبر می‌دهد که در معرض آزمایش‌ها قرار می‌گیرند تا میزان ایمان آنان سنجیده شود. سربلندان جزای نیک دریافت می‌کنند و آنان که استقامت نورزند مورد عتاب شدید قرار می‌گیرند (عنكبوت / ۱-۱۱). دومین دسته از آیات به طور مشترک مشرکانی که مسلمانان را وسوسه به گناه و کفر می‌کنند و تعهد می‌دهند که عذاب آنان را به دوش خواهند کشید و مسلمانان سستی که وسوسه می‌شوند را مورد مذمت و توبیخ قرار داده است (عنكبوت / ۱۲-۱۳).

سومین دسته، به داستان‌واره‌های کوتاه پرداخته و ماجرای حضرات نوح، ابراهیم، لوط را بیان نموده و به داستان‌های حضرت موسی، هود، صالح و شعیب (ع) نیز اشاره کرده است (عنكبوت / ۱۴-۴۰). محور مشترک همه این بخشها درگیری این پیامبران با مشرکان قوم خود است. به طور دقیق‌تر در همه این قصه‌ها تنها به نقطه نهایی ماجرا که نابودی مشرکان و نجات مؤمنان است اشاره گردیده است.

در واکوی جزئی‌تر داستان حضرت ابراهیم در میان این قصه‌ها با تفصیل بیشتری بیان شده؛ در عین حال تنها به درگیری ابراهیم خلیل با مشرکان امتش پرداخته و از هجرت او به سرزمینی دیگر همراه با لوط نبی خبر داده که موجب گشایش مادی و معنوی برای آنان شد (عنكبوت / ۱۶-۲۷). سپس داستان حضرت لوط با تفصیل نسبی بیان شده که او نیز عاقبت از میان قوم مشرکش هجرت نمود و با هجرت او مشرکان عذاب گردیدند (عنكبوت / ۲۸-۳۴). حتی تأمل جزئی‌تر نشانگر آن است که حضرت نوح (عنكبوت / ۱۴-۱۵) و موسی (عنكبوت / ۳۹) نیز که در این سوره از آنان یاد شده، به هجرت به پیروزی دست یافتند.

چهارمین دسته، به مشابهت عذاب مشرکان با امتهای مشرک گذشته پرداخته و به پیامبر اطمینان داده که هرچند آنان به تمسخر اصرار بر تعجیل عذاب دارند، لیکن عاقبت نابود شده و حق باقی خواهد ماند (عنكبوت / ۴۱-۵۵). آخرین آیات نیز، خطاب به مسلمانان نازل شده، و ضمن یادآوری وسعت زمین الاهی برای سکونت، به کسانی که صبر و توکل دارند، بهشت را وعده داده است. سپس برای اطمینان آنان به قدرت لایزال

الاهی در روزی رسانی همه موجودات حتی آنان که نمی‌توانند روزی خود را حمل کنند، پرداخته است. آخرین آیه نیز با مژده به هدایت کسانی که در راه خداوند مجاهدت می‌نمایند به پایان رسیده است (عنکبوت/ ۵۶-۶۹).

طرح مسئله

سوره عنکبوت به گواه سیاق غالب آن که خطاب به مشرکان نازل شده و جایگاهی که در همه جداول ترتیب یافته، در اواخر دوران مکه نازل شده است (رک: بهجتپور، ۳۳۴). چنانکه بسیاری از مفسران نیز این سوره را مکی خوانده‌اند؛ لیکن وجود چند شأن نزول ذیل آیات ابتدایی این سوره و استناد به پیش فرض تاریخی عدم وجود پدیده نفاق در دوران مکه به سبب ضعف و قلت مسلمانان، بازگردانی تعبیر جهاد با نفس به جهاد فی سبیل الله در آیات مذکور که باز تنها در مدینه مجال تحقق داشته و مشابهت عتاب‌های آیات اولیه سوره عنکبوت به دیگر آیات مدنی، موجب شده تا برخی مفسران قائل به نزول آیات ۱-۱۰ این سوره در مدینه و نزول آیه ۸ آن در سال نخست بعثت در مکه شوند. تکیه بر دلایل مذکور تا حدی در آراء مفسران جدی تلقی شده که برخی سوره عنکبوت را مکیمدنی توصیف کرده و برخی برخلاف تصریح بر مکی بودن این سوره، آیات دهگانه اولیه را در سیاق آیات مدنی تفسیر نموده‌اند. گروه اندکی نیز کل این سوره را مدنی دانسته‌اند. در نتیجه، برخلاف سیاق یکپارچه این سوره که مؤید نزول پیوسته است؛ بسیاری از مفسران در نهایت به نزول چندپاره آن روی آورده‌اند.

مراد از نزول پیوسته در این نوشتار، نزول تدریجی آیات این سوره از ابتدا تا انتها و به صورت پشت سرهم است، بدون آنکه آیاتی از دیگر سوره در میان آنها نازل شود. در مقابل، مراد از نزول چندپاره آن است که آیات یک سوره به طوری پراکنده نازل شوند که در میان آنها آیاتی از دیگر سوره‌ها نیز نزول یابد. چنانکه طبق آنچه از دیدگاه مفسران درباره سوره عنکبوت گفته شد، آیه ۸ سوره عنکبوت در سال نخست بعثت نازل شده، مابقی آیات در اواخر دوران مکه و ۱۰ آیه نخست نیز در مدینه. در نتیجه سوره عنکبوت، طبق این دیدگاه، حداقل طی سیزده سال نازل شده است.

۱. مقدمات بحث

این مطالعه به منظور حل تعارض مطرح شده میان سیاق پیوسته تمامی آیات سوره عنکبوت و قرائنی که حاکی از نزول چندپاره آنهاست، در گام نخست به تبیین اقوال مفسران و دلایل آنان در خصوص کیفیت نزول این سوره پرداخته است. در گام دوم نقاط قوت و ضعف هر دیدگاه را مورد بررسی قرار داده و در نهایت با انتخاب دیدگاه برگزیده درباره چگونگی نزول این سوره مبارک، به تاریخ گذاری دقیق آن، طبق قرائن داخلی و بیرونی، روی آورده است.

الف) نگرش مفسران به یکپارچگی سوره

بسیاری از مفسران در ابتدای سوره عنکبوت موضع خود درباره نزول پیوسته یا چند پاره این سوره بیان نموده‌اند که در ادامه دیدگاه‌ها و مستندات آنان به تفصیل بیان خواهد شد. بنابر تعریفی که ارائه شد نزول چندپاره سوره عنکبوت به معنای فاصله زمانی چند ساله میان نزول آیات این سوره و نزول آیات دیگر سور در خلال نزول سوره عنکبوت است که در این نوشتار از آن به تداخل نزول سوره‌ها یاد می‌شود. با این بیان دیدگاه‌ها در خصوص نزول چندپاره سوره عنکبوت به دو گروه قابل تقسیم است. نخست کسانی که نزول آیه ۸ این سوره را در سال نخست و یا در نهایت، در سال دوم بعثت تاریخ گذاری کردند و گروه دوم کسانی که زمان نزول آیات ابتدایی این سوره را پس از هجرت پیامبر به مدینه دانسته‌اند.

ب) نزول جداگانه آیه هشتم

نخستین دیدگاه در تاریخ گذاری سوره عنکبوت، نزول آیه ۸ این سوره در سال اول بعثت است: *وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَتَّبُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ* (عنکبوت/ ۸).

تنها مستند این دیدگاه شأن نزولی است که ذیل آیه ۸ در خصوص نزول این آیه پس از ایمان سعدبن ابی وقاص ذکر شده است. براساس آن، این آیه درباره سعدبن ابی‌وقاص نازل گردید که چون ایمان آورد مادرش جمیله به او گفت: ای سعد شنیده‌ام منحرف شده‌ای، به خدا از آفتاب و باد زیر سقف نمی‌روم و نان و آب نمی‌خورم تا منکر محمد شوی و به آیین سابقت بازگردی. اما سعد گوش به حرف مادر نداد و

مادرش سه روز گرسنه و تشنه بیرون از خانه می‌بود تا غش کرد. سعد نزد پیغمبر آمد و ماجرا باز نمود، و آیه ۸ عنکبوت، ۱۵ احقاف و ۱۴-۱۵ لقمان در وصف او نازل گردید (واحدی، ۳۵۱). در کنار واحدی، مفسران بسیاری نیز این شأن نزول را نقل کرده‌اند (مقاتل، ۳/۳۷۴؛ طبری، ۲۰/۸۵؛ سمرقندی، ۲/۶۲۶؛ ثعلبی، ۷/۲۷۱؛ ابن عطیه، ۴/۳۰۷-۳۰۸؛ ثعالبی، ۴/۲۸۹؛ ابن عاشور، ۲۰/۱۳۸).

نکته درخور اعتنا آن است که برحسب جایگاه این سه سوره در جداول ترتیب نزول، سور لقمان و احقاف در نیمه دوم سالهای حضور پیامبر در مکه و عنکبوت در سال آخر بعثت نازل شده است. هر سه آیه نیز عبارات بسیار شبیه به هم دارد. درحالیکه مورخان ایمان سعدبن ابی وقاص را در اوایل بعثت و در سن ۱۷ سالگی وی و به دست ابوبکر دانستند. چنانکه در روایات مختلف وی هفتمین (ابن عبدالبر، ۲/۶۰۷) یا سومین (بلاذری، ۱۰/۱۲) مسلمان و یا در زمره هشت مسلمان اولیه (ابن اثیر، ۲/۵۹) توصیف شده است.

لذا، در صورتیکه به سبب نزول مذکور و گزارش‌های تاریخی پایبند باشیم، نزول آیه ۸ عنکبوت به سال اول هجری بازمی‌گردد درحالیکه نزول دیگر آیات سوره به سال آخر مکه موکول شده و در نتیجه فاصله‌ای بیش از ده سال میان نزول این آیه با سایر آیات سوره پدید می‌آید.

پ) نقد این دیدگاه

در مقام نقد باید گفت چنانکه ذکر شد تنها مستند قائلان نزول آیه ۸ عنکبوت در سال نخست هجری، شأن نزول مطرح شده در خصوص ایمان سعدبن ابی وقاص است. درحالیکه شأن نزول مذکور از چند منظر محل مناقشه است. نخست، شأن نزول مذکور افزون بر آنکه ذیل آیه ۸ عنکبوت ذکر شده، ذیل سه سوره دیگر (احقاف، اسراء و لقمان) در فواصل زمانی مختلف نیز مطرح شده است. درحالیکه نزول آیه ۴ برای ایمان یک نفر آن هم در سوری پراکنده و با فاصله، امری نامعمول و غیرقابل پذیرش است. افزون برآنکه بسیاری از مؤمنان خاص وجود داشتند که در وصف ایمان آوردن آنان حتی یک آیه هم نازل نشده است. برخی مفسران نیز با اشاره به این نکته، نزول این چهار آیه برای ایمان سعدبن ابی وقاص را نپذیرفته و در نتیجه نزول آیه ۸ عنکبوت در

سال نخست هجری را نیز منتفی دانسته‌اند (ملاحویش، ۴/ ۴۶۷).

دوم، افزون بر سوره عنکبوت که در زمرة آخرین سور مکی است، سه سوره دیگر نیز که نزولشان به ایمان سعدبن ابی وقاص پیوند خورده هم در زمرة سور مکی دوره دوم است. چنانکه طبق گزارش ابن عباس و مصحف قدر اوغلو، سوره اسراء پنجاهمین، لقمان پنجاه و هفتمین و احقاف شصت و ششمین سوره مکی از میان ۸۶ سوره است (طبرسی، ۱۰/ ۶۱۳؛ دروزه، ۱/ ۱۵-۱۶). در حالیکه برحسب گزارش‌های تاریخی، سعدبن ابی وقاص در زمرة نخستین مسلمانانی بوده است. از این رو، ادعای نزول ۴ آیه در ۴ سوره‌ای که به طور تخمینی از سال هشتم تا سیزدهم بعثت نازل شده‌اند برای واقعه‌ای که در سال نخست بعثت اتفاق افتاده، امری غیرقابل پذیرش است.

سوم ذیل آیه ۸ عنکبوت شأن نزول دیگری نیز نقل شده و ماجرای شبیه به ایمان آوردن سعدبن ابی وقاص و ممانعت مادرش، برای فردی به نام عیاش بن ابی ربیع هم نقل گردیده است. تعدد سبب نزول ذیل این آیه، اعتماد به هر دو شأن نزول را بی اعتبار می‌سازد (ابن عطیه، ۴/ ۳۰۷؛ ثعالبی، ۴/ ۲۸۹-۲۹۰).

چهارم، به نظرمی‌رسد توصیه به احسان به والدین در حالیکه آنان کافر هستند و پرهیز از اطاعت آنان در شرک‌ورزی، اقتضای فضای دو قطبی جامعه مکی است که برخی فرزندان مسلمان شده اما با والدینی مشرک زندگی می‌کنند. چنانکه برخی نیز تکرار مضمون آیه ۸ عنکبوت در دیگر سور مکی (لقمان/ ۱۴، احقاف/ ۱۵، اسراء/ ۲۴) را نشانگر عدم وجود سبب خاص برای این آیات و نیاز جامعه به یادآوری این مضمون دانسته‌اند (ملاحویش، ۴/ ۴۶۷) و از این آیه به عنوان یک قاعده همیشگی یاد کرده‌اند (صادقی، ۲۳/ ۲۳).

در نهایت، به توجه به نقاط ضعف شأن نزول ادعایی ذیل آیه ۸ عنکبوت و ارتباط این آیه با سیاق آیات همجوارش که در ادامه بیشتر بر آن تأکید خواهد شد، ادعای نزول چندپاره سوره عنکبوت از سال اول تا سیزدهم بعثت، امری غیرقابل پذیرش است.

۲. نزول آیات ابتدایی در مدینه

دومین دیدگاه در نزول چند پاره سوره عنکبوت، نزول آیات ابتدایی آن در مدینه است. بنابراین دیدگاه سوره عنکبوت هم دارای نزول چندپاره بوده، هم آیات ابتدایی آن

مستثنا تلقی شده و هم به سبب نزول دیگر سور مدنی در میان آن، دارای نزول متداخل بوده است (هود بن محکم، ۳/ ۲۶۰؛ ابن ابی زمنین، ۱۲۶؛ ابن عطیه، ۴/ ۳۰۶؛ زمخشری، ۳/ ۴۳۸؛ ثعالبی، ۴/ ۲۸۸؛ ملاحویش، ۴/ ۴۶۳؛ مراغی، ۲۰/ ۱۰۹؛ قاسمی، ۷/ ۵۴۴).

الف) مؤیدات مفسران بر این قول

این دیدگاه افزون بر آنکه قائلان متعددی داشته، با مؤیدات فراوانی نیز قابل تبیین است؛ لیکن نکته حائز اهمیت آن است که هیچ از مفسرانی که قائل به نزول چندپاره این آیات بوده‌اند، دلیلی برای مدنی بودن آیات اولیه ذکر نکرده‌اند. این سکوت مفسران تاجایی بوده که مفسرانی که قائل به نزول پیوسته تمامی آیات سوره عنکبوت بوده‌اند، خود دلایلی را در خصوص مدنی بودن آیات اولیه عنکبوت ذکر کرده و به مفسران مخالف خود نسبت داده و سپس نقد نموده‌اند (رک: طباطبایی، ۱۶/ ۱۵۸؛ قطب، ۵/ ۲۷۱۸).

برحسب تتبع صورت گرفته شأن نزول‌ها، برخی از اقوال متقدمان و بیان موضوع جهاد با نفس در آیه ۷ و موضوع نفاق در آیه ۱۰ این سوره، برخی مفسران را مجاب به پذیرش نزول مدنی آیات ابتدایی عنکبوت نموده که در ادامه به تفصیل به هریک پرداخته می‌شود.

نخستین مستند قائلان نزول مدنی، شأن نزول‌های متعددی است که ذیل آیات ابتدایی این سوره بیان شده است: در مکه عده‌ای بودند که به اسلام مقرر بودند. اصحاب پیغمبر (ص) از مدینه به ایشان نوشتند که اقرار و اسلام شما پذیرفته نیست تا هجرت کنید. آنان بر قصد مدینه بیرون آمدند و مشرکان دنبالشان کرده آزار رساندند آیات ۱-۲ عنکبوت نازل گردید و مسلمین از مدینه به آنان نوشتند که چنین آیه‌ای درباره [امتحان] شما نازل شده. با خود گفتند: بیرون می‌شویم و اگر تعقیب‌مان کردند می‌جنگیم؛ و بیرون آمدند و مشرکان دنبالشان کردند و جنگ واقع شد. عده‌ای کشته شدند و جمعی رستند و آیه ۱۱۰ سوره نحل در غفران و رحمت این مهاجران نازل شد: **ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ** (طبری، ۲۰/ ۸۳؛ واحدی، ۳۵۰).

چنانکه هویداست این شأن نزول هرچند سال دقیقی مشخص نکرده اما در فضای مدینه و گویا در اوایل این دوران رخ داده است. نکته قابل توجه آنکه شأن نزول مذکور هم آیات عنکبوت و هم آیه ۱۰ نحل را دربردارد و برای هر دو سوره نزول چندپاره را ثابت کرده است.

در سبب دیگری ذیل آیات ۱-۲ عنکبوت، مقاتل می‌نویسد: آیات مذکور درباره خانواده مهجع مولای عمر که اول شهید مسلمین در بدر است فرود آمد و پیغمبر (ص) فرمود: مهجع سید الشهداء است و اول کسی که به سوی بهشت خوانده می‌شود. والدین و زن مهجع بیتابی می‌نمودند تا آیه بالا نازل شد و آگاه شدند برای رضای خدا باید آزموده شوند (مقاتل ۳/ ۳۷۲).

این شأن نزول نیز به وضوح نزول آیات ابتدایی عنکبوت را از سال آخر مکه به سال دوم هجری منتقل نموده است. در مجموع هرچند دو شأن نزول بیانگر وقایع نزدیکی به هم در دوران مدینه است، اما به هم پیوسته نیست. درحالیکه در ادامه خواهیم دید که برخی متقدمان ده آیه اول عنکبوت را با هم مدنی خوانده‌اند که چه بسا با تکیه بر وجه مشترک شأن نزول‌های مذکور چنین ادعایی را مطرح کردند.

دومین قرینه بیرون متنی مؤید نزول چندپاره سوره عنکبوت، تصریح برخی از صحابه و تابعین بر نزول ۱۰ آیه اول این سوره در مدینه و نزول مابقی آن در مکه است. چنانکه مفسران متقدم از قول قتاده (طبری، ۲۰/ ۸۶؛ شیخ طوسی، ۸/ ۱۸۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۵/ ۱۸۲)، یحیی بن سلام، حسن بصری و یکی از اقوال منتسب به ابن عباس (طبرسی، ۸/ ۴۲۵) مدنی بودن این آیات را نقل کردند.

تصریح آیه ۱۰ این سوره بر پدیده نفاق در میان مسلمانان، مستند برخی در نزول مدنی این آیات شده است. چنانکه فرموده: برخی از مردم که می‌گویند: به خداوند ایمان آوردیم، آنگاه که در راه خداوند اذیتی می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب خدا تلقی می‌کنند [و از ادامه راه خدا دست می‌کشند]؛ و اگر از جانب پروردگارت نصرتی [برای شما] پیش آید، قطعاً می‌گویند: ما هم در کنار شما بودیم؛ مگر خدا به راز دل‌های جهانیان داناتر نیست؟ (وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةً لِلنَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ جَعَلَ اللَّهُ بِمَا فِي

صُدُورِ الْعَالَمِينَ (عنکبوت/ ۱۰)

هرچند مفسرانی که قائل به نزول چندپاره سوره عنکبوت هستند، متفقاً آیه ۱۰ عنکبوت را خطاب به منافقان دانسته‌اند (هود بن محکم، ۳/ ۲۶۲؛ ابن عطیه، ۴/ ۳۰۸؛ زمخشری، ۳/ ۴۴۴؛ ملاحویش، ۴/ ۴۶۷-۴۶۸)، لیکن مفسران مخالف آنان تلاش کردند تا با تکیه بر موضوع نفاق در آیه مذکور، موضع مفسران قائل به نزول چندپاره را تقویت نمایند.

لذا، این آیه که هم آشکارا درباره خیانت منافقان سخن گفته و هم انگیزه آنان از نفاق و همراهی با مسلمانان که نصرت الاهی و پیروزی‌های مسلمانان است را بیان نموده، به عنوان مهمترین قرینه درون متنی در تأیید نزول چندپاره سوره عنکبوت قابل استفاده است. به دیگر بیان تا پیش از ورود مسلمانان به مدینه و تشکیل دولت نبوی، مسلمانان در اقلیت بوده و هرنوع فشاری را از سوی مشرکان متحمل می‌شدند. از این رو، در چنین شرایطی که اسلام آوردن چیزی جز اذیت و آزار مشرکان را به همراه نداشته، و مسلمانان به هیچ نصرت ظاهری دست نمی‌یافتند که غنیمتی یا سروری به همراه داشته‌باشد، منطقی نیست گروهی که حقیقتاً دل در گروه توحید ندارند به کسوت مسلمانی درآیند و چنین در مضیقه قرارگیرند. در نتیجه با توجه به فضای این آیه که بدون تردید ترسیم‌گر شرایط منافقان است، مکی بودن آیات ابتدایی سوره عنکبوت منتهی و مدنی بودن آنها مسجل می‌شود (طباطبایی، ۱۶/ ۱۵۸؛ دروزه، ۵/ ۴۷۲؛ قطب، ۵/ ۲۷۱۸؛ صادقی، ۲۳/ ۲۹).

چهارمین استدلال مؤید نزول مدنی آیات ابتدایی عنکبوت، تصریح آیه ۶ این سوره بر مقوله جهاد است. چنانکه فرموده: هرکس جهاد نماید، برای خودش جهاد کرده و بدون تردید خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است (وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يَجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ (عنکبوت/ ۶)).

برخی از مفسرانی که خود قائل به نزول پیوسته این سوره در مکه بوده‌اند، به نیابت از مفسرانی که موضع مخالفی داشته و نزول آیات ابتدایی را در مدینه دانسته‌اند، چنین نسبت داده‌اند: با توجه به آنکه جهاد مقوله‌ای است که در مدینه معنا پیدا کرده، برخی مفسران نزول این آیه را در مکه بی‌معنا دانسته و به مدنی بودن آن حکم نمودند

(طباطبایی، ۱۶ / ۱۵۸؛ قطب، ۵ / ۲۷۱۸). به دیگر بیان، این مؤید را مخالفان نزول چندپاره سوره عنکبوت از جانب موافقان بیان نمودند. هرچند برحسب تتبع فراوان در این پژوهش، مفسرانی که آیات ابتدایی عنکبوت را مدنی خوانده‌اند به این استدلال تصریحی نداشته‌اند.

تا آنجا که درنهایت، ملاحظه‌ی آل غازی که قائل به نزول مدنی آیات ابتدایی عنکبوت است، جهاد با نفس در این آیه را همان جهاد فی سبیل الله دانسته که مهمترین عمل نزد پروردگار بوده و سودش نیز به بندگان و نه خداوند بازمی‌گردد (ملاحظه‌ی، ۴ / ۴۶۵). مراغی نیز جهاد با نفس را اعم از جهاد با هوای نفس یا جهاد با دشمنان دین معنا کرده است (مراغی، ۲۰ / ۱۱۵).

ب) تشابه آیات نخست سوره با آیات مدنی

مشابهت‌یابی آیات ابتدایی سوره عنکبوت با دیگر آیات مدنی، آخرین مؤید نزول چندپاره سوره عنکبوت است. نکته درخور توجه آنکه هیچ یک از مفسران به مجموعه آیاتی که در این بخش بیان شد به عنوان مؤیدی بر نزول مدنی آیات ابتدایی سوره عنکبوت اشاره نکرده است. تنها برخی از مفسران به برخی از آیات برای تفسیر بهتر آیه نخست سوره عنکبوت که به آزمایش مؤمنان اشاره دارد، پرداخته و یا ذیل آیه ۱۰ که از گفتار منافقان سخن گفته به دیگر آیاتی که عبارات مشابهی داشته، اشاره کردند. چنانکه زمخشری به آیه ۱۴۶ آل عمران اشاره کرده است. در آیه مذکور مؤمنانی که در جهاد فی سبیل الله به پیامبرشان وفادار بوده و در برابر ضعف‌ها و سختی‌ها مقاومت نمودند، مورد تجلیل قرار گرفتند (زمخشری، ۳ / ۴۳۹).

همچنین، به آیات ۲۱۴ بقره که در سالهای نخست هجرت، ۳۱ محمد (ص) که در سال ششم هجری، ۱۱۷۹ آل عمران که در سال سوم هجری و ۱۶ توبه که در سال نهم هجری نازل شده نیز می‌توان اشاره نمود که مضامینی مشابه دارند. به عنوان مثال آیه ۲۱۴ بقره می‌فرماید: آیا گمان کرده‌اید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز حالات کسانی که پیش از شما در گذشته‌اند برای شما نیامده! آنها را زیان‌های مالی و بدنی رسید، و متزلزل و مضطرب شدند تا جایی که فرستاده خدا و کسانی که با او ایمان آورده بودند می‌گفتند: نصرت و یاری خدا کی می‌رسد؟ (گفتیم) آگاه باشید که

حتماً نصرت خدا نزدیک است. در نتیجه تشابه آیات ابتدایی سوره عنکبوت با دیگر آیات مدنی که مسلمانان را به سبب سستی و عدم آمادگی برای سنجش ایمان حقیقی مورد توبیخ قرار داده، احتمال مدنی بودن این آیات را نیز بیش از پیش تقویت می‌نماید. دو شأن نزول مختلف که در مدنی بودن وجه اشتراک داشتند، نخستین مستند نزول مدنی آیات عنکبوت است؛ لیکن دروزه با تشکیک جدی در مدنی بودن این آیات، نقدهای متعددی را وارد ساخته است.

نخست آنکه به تعدد اسباب نزول ذیل این آیات اشاره کرده که با توجه به سیاق یکپارچه این آیات دهگانه، نمی‌توان دو واقعه مستقل را شأن نزول آنها معرفی نمود. دوم به سبب نزول مکی آنها اشاره کرده که برخی نزول این آیات را در وصف عمار بن یاسر که توسط اربابش مورد آزار و شکنجه قرار گرفت، دانسته‌اند. در نتیجه افزون بر تشتت اسباب نزول‌های مدنی، با توجه به وجود سبب نزول مکی، هیچ الزامی در مدنی بودن این آیات و صحت آن شأن نزول‌ها نمی‌توان در نظر گرفت. در سومین نقد، به عدم ورود هیچ از یک از اسباب نزول مذکور به کتب مورد اعتماد حدیثی توجه نموده است. چهارمین نقد به اسناد ضعیف روایات سبب نزول مدنی این آیات بازمی‌گردد. پنجم سیاق آیات ابتدایی سوره عنکبوت و لزوم تحمل مسلمانان در برابر اذیت مشرکان، کاملاً با فضای دوران پایانی مکه و فشاری که مسلمانان تحمل می‌نمودند، همخوانی دارد. از این رو، اگر قرار به انتخاب یکی از اسباب نزول باشد، طبعاً سبب نزول شکنجه عمار با این آیات همسوتر است. هر چند فضای این آیات به طوری سنگین بوده و قاعده‌ای همیشگی برای همه مسلمانان را بیان می‌نماید که هیچ نیازی به تعیین سبب نزول خاص برای آنها نیست. ششم آیات سوره نحل که در سبب نزول مدنی دوم هم به آن اشاره شد، خود به صراحت خطاب به مسلمانانی است که مرتد شده و بازگشته‌اند. از این رو، نیازی نیست با وجود آن آیات صریح و همخوانی سبب نزول مذکور با آنها، بازم سبب نزول شکنجه مؤمنانی از قبیل عمار و ارتداد برخی مسلمانان سست ایمان ذیل آیات ابتدایی سوره عنکبوت نیز تکرار شود (دروزه/ ۴۶۷-۴۶۹).

چنانکه تکرار سبب نزول ایمان سعدبن‌ابی وقاص ذیل ۴ آیه را پیشتر در همین نوشتار شاهد بودیم. در نهایت، تکرار برخی از اسباب ذیل آیاتی که مشابهت مضمونی با

یکدیگر دارند، فقدان اعتبار شأن نزولها را به ذهن متبادر می‌سازد. چنانکه به نظرمی‌رسد صحابه و تابعین بیش از آنکه مقید به ذکر اسباب نزول به معنای امروزی باشند، وقایعی که به هر دلیل برایشان برجسته گردیده و تا حدودی می‌توانسته مصداقی از یک مضمون و حیانی باشد را ذیل هر آیه‌ای که با آن تناسب داشته نقل نموده‌اند. در این صورت تأمل در شأن نزولها ضروری و بازخوانی آیاتی همچون آیات ابتدایی عنکبوت که به سبب نقل برخی اسباب، از سیاق خود جدا شده و مستثنا تلقی گردیده، به مراتب ضروری‌تر خواهد بود.

در پایان این نقد، توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که مفسری همچون سمرقندی که در زمره مفسران متقدم به شمار می‌آید، ذیل آیات ۸ و ۱ که شأن نزولهای مذکور را با عبارت «نزلت...» نقل کرده، از قول برخی نیز چنین نقل کرده که آیه ۱ و همچنین، آیه ۸ برای همه مسلمین نزول یافته است (سمرقندی، ۲/ ۶۲۴-۶۲۵).

این عبارت در کنار سایر شأن نزولها و استفاده «نزلت...» برای همه آنها مؤید آن است که متقدمان نزول را الزاماً برای شأن نزول به کار نمی‌برده‌اند؛ بلکه برای مواردی که در طول زمان مصداق آیه نیز حساب شده، نزول را استعمال نموده‌اند. بنابراین شاید بسیاری از مفسران که در ابتدای سوره عنکبوت آن را مکی خوانده‌اند، در تاریخ گذاری آیات نخست نیز دچار تشبث نبوده و تنها در تفسیر آیات موارد منطبق بر آنها را ذکر نموده‌اند.

همان گونه که بسیاری از مفسران آیات ابتدایی سوره عنکبوت را آیاتی کلیدی و محوری دانسته‌اند که فارغ از شأن نزول نازل شده و از یک سنت ابدی خداوند در آزمایش مؤمنان خبر داده که از حیث مضمون شبیه آیات شریفه «وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» و «وَوَبَّلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» است (صادقی، ۱۴/۲۳).

پ) نقد این نگرش

تکیه بر اقوال متقدمان دومین دلیل نزول چندپاره سوره عنکبوت بود. درحالیکه در مقابل نیز متقدمان فراوانی قائل به نزول مکی تمام این سوره شده‌اند. اگر تعارض این اقوال را موجب تساقط اعتبار این دلیل برای هر دو نظریه بدانیم که مجالی برای بحث

فزونتر نخواهد ماند و اگر کثرت اقوال را ملاک پذیرش قرار دهیم، جمعیت بیشتر متقدمان قائل به نزول مکی تمام سوره عنکبوت، قول برخی متقدمان در خصوص نزول چندپاره این سوره را بی‌اعتبار کرده است.

تصریح آیات ۱۰-۱۱ سوره عنکبوت بر پدیده نفاق نیز سومین دلیلی بود که نزول مدنی این آیات را تقویت می‌ساخت. زیرا وقوع نفاق در مدینه امری حتمی است؛ لیکن بازخوانی شرایط مکه در هنگام نزول این سوره مبارکه که به احتمال قوی با سال آخر بعثت مصادف است، می‌تواند این مؤید را نیز سست سازد. به این موضوع به عنوان یکی از مؤیدات نزول پیوسته سوره عنکبوت در ادامه پرداخته خواهد شد.

در خصوص مراد از عبارت «يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...» و شباهت اولیه که با جهاد فی سبیل الله و مقاتله دارد، توجه به تحلیل مفسران از این آیه حائز اهمیت است.

برخی از مفسران مراد از «يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ...» را انجام اعمال خیر دانسته و آیه شریفه را چنین معنا کردند که هرکس عمل خیری انجام دهد، ذخیره‌ای برای خود او است و خداوند از اعمال بندگان بی‌نیاز مطلق است (مقاتل، ۳/ ۳۷۳؛ ابن کثیر، ۶/ ۲۳۸).

برخی نیز در معنای مشابهی این آیه را در راستای دفع این توهم دانسته‌اند که خداوند از عبادت بندگان نفعی ببرد و از معصیتشان متضرر شود (ابن کثیر، ۶/ ۲۳۸؛ گنابادی، ۲/ ۲۰۲). قمی نیز مراد از جهاد نفس را برحذر داشتن نفس از میل به سوی لذت‌های حرام، شهوات و معاصی معنا کرده است (قمی، ۲/ ۱۴۸). سید قطب مراد از جهاد با نفس در آیه ۷ را تمرین دادن نفس آدمی بر صبر به دینداری و پرهیز از فتنه‌ها دانسته و این معنا از آیه را با موضوع نفاق که در آیات ۱۰-۱۱ به آن تصریح شده کاملاً همخوان و یک سیاق معرفی کرده است (قطب، ۵/ ۲۷۱۸). برخی دیگر نیز در معنایی مشابه جهاد با نفس را صبر بر بلا و استواری در راه حق علی‌رغم اذیت‌ها دانسته‌اند (دروز، ۵/ ۴۶۶؛ قطب، ۵/ ۲۷۱۸؛ قاسمی، ۷/ ۵۴۶).

برخی نیز با تکیه بر معنای جهد که به کار بستن تمام طاقت و قدرت است، مجاهده مسلمانان در راه خدا در این آیه را به معنای دست برداشتن از ایمان، و صبر در برابر شدايد، و ناملایمات معنا نموده که البته همه نفع آن متوجه مؤمنان خواهد شد (طباطبایی، ۱۶/ ۱۵۲؛ ابن عاشور، ۲۰/ ۱۳۵). صادقی نیز با تکیه بر معنای لغوی جهاد،

بخش اعظمی از جهاد در راه خداوند را مبارزه با هوای نفس و وساوس شیطان توصیف کرده است (صادقی، ۲۳ / ۲۰).

درنهایت، افزون بر آنکه همه این معانی از جهاد با نفس که با دیگر آیات ابتدایی این سوره در خصوص آزمایش مؤمنان و لزوم استقامت آنان در برابر سختی مناسبت دارد و مراد از جهاد در آیه ۷ معنایی جدا از مقاتله بوده، توجه به آخرین آیه عنکبوت نیز حائز اهمیت است. درحالیکه در آیه ۷ واژه جهاد به کاررفته و برخی را به سبب تصور محصور بودن این واژه در آیات مدنی قائل به نزول چندپاره کرده، همین مضمون در آخرین آیه سوره عنکبوت که به اتفاق همگان مکی است تکرار شده است. در این آیه خداوند به کسانی که مجاهدت می کنند وعده هدایت داده است: *وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ* (عنکبوت / ۶۹). درنتیجه، جهاد نه تنها الزاماً به معنای مقاتله نیست، الزاماً در آیات مدنی نیز نازل نشده است.

در خصوص آیات مدنی مشابه که در آخرین مؤید نزول چندپاره بدان پرداخته شده نیز باید اذعان نمود وجه مشترک همه آن آیات وجود برخی مسلمانان سست ایمان در صفوف مؤمنان است که حاضر نیستند برای دین و اثبات استواری خود در مسیر حق متحمل سختی و مشقت شوند. ازاین رو، این آیات در عتاب به آنان نازل می گردد؛ لیکن در صورتیکه در ادامه اثبات شود که در پایان دوران مکه نیز مسلمانان سست ایمانی که حاضر به تحمل اذیتی در راه خداوند نبودند، حضور داشته اند، نزول آیات ابتدایی عنکبوت در محیط مکه نیز امری معمول خواهد شد. به دیگر بیان از اواخر دوران مکه تا پایان حیات رسول خدا همواره جامعه مسلمین با برخی سست باوران مسلمان مواجه بوده که سعی در اصلاح آنها داشته است.

افزون بر نقد همه مؤیدات نزول چندپاره سوره عنکبوت، دروزه این گسستگی را به دور از حکمت دانسته و به صراحت اذعان نموده که دلیلی برای قرارگرفتن ۱۰ آیه مدنی در ابتدای ۵۹ آیه مکی وجود ندارد (دروزه، ۴۶۸ / ۵). به دیگر بیان آنگاه که هیچ وجه ادبی، بلاغی یا تاریخ در پس پیوند این آیات مدنی به مکی دیده نمی شود، این سؤال بی جواب باقی است که چرا این ۱۰ آیه مدنی خود سوره ای مستقل را تشکیل نداده یا در میان سوره مدنی قرار نگرفته است؟

درنهایت، نیز این نکته که مفسران قائل به نزول چندپاره سوره عنکبوت کمترین تلاشی در اثبات ادعای خود ندارند، این نتیجه را به ذهن متبادر ساخته که آنان یا از بیان دلایل خود غفلت ورزیده و یا به احتمال قوی‌تر تحت تأثیر شأن نزول‌های مدنی ذکر شده ذیل این آیات و البته پیش فرض وقوع پدیده نفاق در مدینه قرار گرفته‌اند و بدون واکاوی لازم و درخور، به نزول مدنی این آیات حکم نموده‌اند.

۳. نزول پیوسته سوره عنکبوت

نزول پیوسته سوره عنکبوت، دیدگاه دوم درباره کیفیت نزول این سوره است. چنانکه پیشتر گذشت مفسران قائل به این دیدگاه، ابتدا تا انتهای نزول این سوره را پشت سرهم و تدریجی دانسته‌اند. هرچند در تاریخ گذاری دقیق‌تر این سوره، آراء گوناگونی داشته‌اند.

گروه نخست تنها به مکی بودن کل این سوره تصریح کردند (ابن قتیبه، ۱/ ۲۸۷؛ قمی، ۲/ ۱۴۸؛ مقاتل، ۳/ ۳۷۱؛ سمرقندی، ۲/ ۶۲۴؛ ثعلبی، ۷/ ۲۶۹؛ بیضاوی، ۴/ ۱۸۸؛ فخر رازی، ۲۵/ ۲۳؛ ابن کثیر، ۶/ ۲۳۷؛ طباطبایی، ۱۶/ ۱۴۷؛ قطب، ۵/ ۲۷۱۷؛ فضل الله، ۷/ ۱۸).

گروه دوم عنکبوت را سوره یکی به آخر مانده مکی معرفی نمودند (ابن عاشور، ۲۰/ ۱۲۷؛ صادقی، ۲۳/ ۹-۱۰).

گروه سوم نیز بنابر روایتی منسوب به حضرت علی، سوره عنکبوت را نازل شده در راه مکه و مدینه توصیف نمودند (مقاتل، ۳/ ۳۷۱؛ قرطبی، ۱۳/ ۳۲۳).

گروه چهارم به مدنی بودن کل سوره اذعان داشته‌اند. در این قسم مفسران یکی از اقوال منتسب به ابن عباس و قتاده را مدنی بودن کل سوره عنکبوت دانسته‌اند، با این قید که این تنها یکی از نظرات منسوب به آنان است (طبرسی، ۸/ ۴۲۵؛ قرطبی، ۱۳/ ۳۲۳).

محور اصلی در دیدگاه دوم و سوم، بیان نزول سوره در آستانه هجرت پیامبر از مکه به مدینه است؛ چنانکه جداول ترتیب نزول این سوره را آخرین سوره مکی معرفی نموده که در نتیجه برای فهم دقیق‌تر، سیاق این سوره را در فضای پایانی دوران مکی باید بازسازی نمود. دیدگاه نخست نیز به سبب آنکه تنها بر مکی بودن تصریح داشته و

زمان جزئی تری را تعیین نکرده، با این دیدگاه‌ها قابل جمع است.
از دیگر سو دیدگاه مفسران در خصوص کیفیت نزول سوره عنکبوت، چنانکه پیشتر بیان شد، به دو دسته قابل تقسیم است.

نخست مفسرانی که به مکی بودن تمام آیات سوره عنکبوت حکم داده و در خلال تفسیر آیات ابتدایی سوره نیز به بافت مکی آنها دقت نموده‌اند (قمی، ۲/ ۱۴۸-۱۴۹؛ ابن کثیر، ۶/ ۲۳۷-۲۳۹؛ قطب، ۵/ ۲۷۱۷-۲۷۱۹؛ گنابادی، ۳/ ۲۰۱-۲۰۳؛ طباطبایی، ۱۶/ ۱۴۳-۱۵۶؛ صادقی، ۲۳/ ۲۹؛ فضل الله، ۱۸/ ۷-۲۴).

و گروه دوم که عنکبوت را سوره‌ای مکی معرفی نموده‌اند اما همچنان شأن نزول‌های مدنی را ذیل آیات ۱، ۷ و ۱۰ و شأن نزول ایمان سعدبن‌ابی وقاص را ذیل آیه ۸ نقل کرده و در نتیجه در کیفیت نزول این سوره دیدگاه بی‌ثباتی داشته‌اند (سمرقندی، ۲/ ۶۲۴-۶۲۶؛ مقاتل، ۳/ ۳۷۲-۳۷۵؛ ثعلبی، ۷/ ۲۶۹-۲۷۲؛ ابن عاشور، ۲۰/ ۱۲۶-۱۴۰).

الف) گزارش متقدمان

نخستین مستند نزول پیوسته سوره عنکبوت، گزارش برخی صحابه و تابعین مبنی بر نزول مکی این سوره به طور مطلق است. چنانکه این نظر به عکرمه، عطاء و کلبی (طبرسی، ۸/ ۴۲۵) و همچنین، حسن بصری، عکرمه، عطاء و جابر (قرطبی، ۱۳/ ۳۲۳) و مجاهد (شیخ طوسی، ۸/ ۱۸۵) نسبت داده شده است. شیخ طوسی از متقدمان و ابن عاشور از متأخران نیز قول جمهور مفسران را مکی بودن تمام سوره عنکبوت ذکر کرده‌اند (شیخ طوسی، ۸/ ۱۸۵؛ ابن عاشور، ۲۰/ ۱۲۶).

ب) فضای نزول سوره عنکبوت

دومین دلیل نزول مکی آیات ابتدایی سوره عنکبوت، ارتباط آنها با دیگر آیات این سوره و هماهنگی با فضای نزول کلی سوره در اواخر دوران مکه است. این نوشتار با شناسایی کدهای مشترک میان آیات ابتدایی این سوره و دیگر بخش‌های آن به ترسیم فضای نزول این آیات و حیانی می‌پردازد.

نخستین نشانه مهمی که در سراسر سوره عنکبوت حضور پررنگی دارد، اوصاف مؤمنان از منظر این سوره است. این سوره با نیهی به مسلمانان آغاز شده که خداوند

مؤمنین را می‌آزماید تا راستگو و دروغگوی آنها مشخص شود (عنکبوت/ ۲-۴) در آیه ۶ خداوند مسلمانان را به جهاد با نفس فراخوانده. در آیه ۷ بشارت به سعادت‌مندی را تنها به مؤمنانی که ایمان و عمل را همراه می‌کنند داده است. در آیه ۸ مسلمانان را به نیکی به والدین موظف ساخته اما آنان را از پیروی والدینشان در شرک برحذر داشته و کمال استقامت در ایمان ولو آنکه در برابر والدین قرار گیرند را از مسلمانان خواسته است. در آیات ۱۰-۱۱ به مذمت کسانی پرداخته که حاضر نیستند بهای ایمان خود را پردازند و در برابر آزارها و فشارها از ایمان خود دست می‌کشند و به صراحت آنان را منافقانی در برابر مؤمنان حقیقی خطاب نموده است.

اما مذمت مسلمانان سست ایمان تنها به این ۱۱ آیه ختم نشده و دیگر آیات این سوره نیز با موضوع ویژگی مثبت و منفی مؤمنان و گروه بندی آنان درگیر است. چنانکه آیات ۱۲-۱۳ هرچند در مذمت مشرکانی است که به مسلمانان وعده می‌دهند که گناه شرک آنان را بر دوش خواهند کشید، لیکن باز مسلمانان سستی که به وعده مشرکان دلخوش می‌شوند نیز مذمت شده و به صراحت به عذاب آنان وعده داده شده است.

در ادامه پس از ذکر داستان‌های کوتاه، آیات پایانی این سوره باز مسلمانان را مورد خطاب قرار داده و در آیات ۵۶-۵۹ مهمترین محور زندگی را عبادت خداوند توصیف کرده و وسعت زمین برای زیستن را به آنان یادآوری نموده و به مسلمانانی که در راه توحید صبر و توکل پیشه می‌سازند، منازل ویژه بهشت را وعده داده است. طبعاً این آیات بدان معناست که از مسلمانان انتظار می‌رود در همه حال به توحید که مهمترین محور زندگی مؤمنانه است پایبند باشد ولو آنکه ناچار به هجرت گردند و در برابر انواع سختی‌ها صبر نمایند. در نهایت آخرین آیه این سوره نیز به آیه ۷ شباهت بسیار یافته و به مؤمنانی که جهاد با نفس نمودند وعده هدایت و گشایش داده است. در مجموع آیات سوره عنکبوت را با محور اوصاف مسلمانان به دو بخش مذمت سست ایمان در نیمه اول و توصیه به مؤمنان حقیقی برای ادامه استقامت و وعده به سعادت‌مندی در نیمه دوم سوره می‌توان تقسیم نمود.

دومین نکته مشترک در بخش اصلی سوره عنکبوت تمرکز بر موضوع هجرت است.

در ابتدای مقاله بیان شد که وجه مشترک همه داستان‌های این سوره هجرت پیامبران و مؤمنان برای ادامه مسیر توحید است. اما موضوع هجرت از داستانواره‌های این سوره فراتر رفته و در آیات پایانی خداوند مسلمانان را نیز به هجرت فراخوانده است (یاعبادی الذین آمنوا إن أرضی واسعة فإیای فاعبُدون (عنکبوت/ ۵۶) تنها تکیه بر آیات ۵۹-۶۲ کافی است تا نشان دهد مسلمانان در معرض تصمیم دشواری قرار گرفته‌اند که از آینده خود هراسان هستند. این مسلمانی در مکه نیست زیرا آنان پیش از این به محدودیت‌های احتمالی مسلمان زیستن در مکه آگاه بودند، بلکه این اقدامی فراتر است که معادلات دنیایی آنان در امرار معاش را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مسئله‌ای همچون هجرت که مهاجران به ناچار باید از شغل خود دست کشیده و بدون توشه به دیاری ناآشنا سفر کنند. چنانکه خداوند در آیات ۹۷-۱۰۰ نساء نیز برای دستور به مهاجرت از عبارت «أرض الله واسعة» استفاده نموده و به مهاجرانی که در راه جان می‌دهند وعده بهشت داده است که این وعده نشانگر سختی مهاجرت هم از حیث طاقت فرسا بودن طی مسیر و هم خوف مرگ در این سفر به سبب تعقیب و گریز مشرکان است. پس از بیان این نکات، نقطه عطف آن است که آیات نخستین عنکبوت نیز در خصوص مسئله هجرت نازل شده است.

ابن عاشور اولین هدف از سوره عنکبوت را که آزمایش مؤمنان با فتنه‌ها برای سنجش صداقت آنان اعلام شده، با توجه به فضای نزول سوره، به استقامت مسلمانان در هجرت معنا کرده است. بدین معنا که محنت اواخر دوران بعثت پیامبر ممانعت مشرکان از هجرت مسلمانان بوده؛ از این رو، مسلمانانی که در برابر این هجرت دشوار و پرخطر صبر و استقامت کرده و باز دل به هجرت زدند، مسلمانان سربلند از فتنه شناخته شدند (ابن عاشور، ۲۰/ ۱۲۷).

برخی مفسران مهاجرت را هم عرض با جهاد در زمره سخت‌ترین تکالیف مشقت‌بار برای مسلمانان توصیف نمودند که جز مؤمنان با ثبات از پس آن برنیامدند. وظایفی که آیات ابتدایی سوره عنکبوت درصدد دعوت مسلمانان به استقامت در انجام آنان بوده است (بیضاوی، ۴/ ۱۸۸؛ ابن عاشور، ۲۰/ ۱۳۰؛ دروزه، ۵/ ۴۶۵).

در این میان علامه طباطبایی جامع‌ترین توصیف را از ارتباط آیات ابتدایی سوره

عنکبوت با فضای نزول آنها بیان نموده است. علامه طباطبایی بر این باور است که از سیاق آیات این سوره و مخصوصاً آیات اول برمی‌آید که بعضی از کسانی که در مکه و قبل از هجرت، به رسول خدا (ص) ایمان آورده بودند، از ترس فتنه‌ای که از ناحیه مشرکین تهدیدشان می‌کرد، از ایمان خود برگشتند. زیرا مشرکان آنان را رها نکرده و پیوسته ضمانت می‌دادند که اگر برگردید هر ضرری از این بابت دیدید ما جبران می‌کنیم، هم چنان که اگر برنگردید به شکنجه و آزار مبتلا می‌شوید. در نتیجه آیات ۱۲-۱۳ که به مذمت حيله‌گری مشرکان می‌پردازد در واقع بیانگر وسوسه‌ای است که موجب شده گروهی از مسلمانان که در آیات ۱۰-۱۱ منافق خوانده شدند از ایمان خود بازگردند. لذا، نزول ۱۰ آیه اول عنکبوت جدای از آیات بعدی نیست. در ادامه علامه به پیوند میان آیه ۸ که توصیه به احسان والدین مشرک است با فضای نزول سوره پرداخته و چنین نگاشته است: به نظرمی‌رسد برخی از کسانی که اسلام بازگشته بودند، به خاطر اصرار و تهدید و تشویق والدینشان بوده است. از این‌رو، در آیه ۸، مسلمانان ضمن توصیه به احسان به والدین، از ارتداد به هر بهانه‌ای ولو به سبب قوی‌ترین پیوندهای عاطفی منع شدند. در قسمت سوم علامه طباطبایی به بیان سیاق کلی سوره پرداخته و هدف از سوره عنکبوت با تکیه بر ارتباط آیات ابتدایی با آیات میانی (داستانواره‌ها) و آیات انتهایی را چنان بیان نموده که غرض خداوند متعال در این سوره آن است که مسلمانان بدانند ایمان تنها به زبان نیست؛ بلکه غرض حقیقت ایمان است که تندباد فتنه‌ها آن را تکان نمی‌دهد و دگرگونی حوادث دگرگونش نمی‌سازد؛ بلکه هر چه امتحانات سخت‌تر شود، پابرجا و ریشه‌دارتر می‌گردد. در نتیجه آزمایش مؤمنان یکی از سنن حتمی الهی است که درباره همه اجرا می‌شود. همان‌طور که در امت‌های گذشته از قبیل قوم نوح، عاد، ثمود، قوم ابراهیم، لوط، شعیب و موسی جریان یافت، و جمعی استقامت ورزیده و جمعی دیگر هلاک شدند. پس کسی که اعلام ایمان می‌کند باید بر آن صبر و استقامت نیز داشته باشد تا جایی که اگر انجام وظایف دینی در محیط زندگی‌اش برای او غیرممکن شد، در راه عقیده مهاجرت کند و سختی آن را به جان بخرد. در راه حفظ عقیده نیز هرگز نباید به خاطر ترس از گرسنگی و سایر امور زندگی از مهاجرت چشم‌پوشد، زیرا رزق بندگان به عهده خداوند است و زمین او

وسیع است. خداوندی که حتی جنبندگان بسیاری که رزق خود را نمی‌توانند با خود حمل کنند، پیوسته روزی می‌رساند. در نتیجه هدف این سوره تهییج مسلمانان به هجرت بوده و تمام آن در اواخر بعثت نازل شده است (طباطبایی، ۱۴۵-۱۴۶).

لازم به ذکر است ابن عاشور نیز آیات ۱۲-۱۳ که خطاب به مشرکان است را مرتبط به نفاق مسلمانان در ۱۰ آیه نخست عنکبوت دانسته و ارتباط آنها را چنین بیان نموده: مشرکان در مسلمانان سست ایمانی که تحملشان در برابر آزار آنان کمتر بود شک ایجاد کرده و با مغالطه برعهده گرفتن گناه شرک آنان، ایشان را به ارتداد سوق می‌دادند. در نتیجه مرتدان در آیات ۱۰-۱۱ منافق خوانده شدند (ابن عاشور، ۲۰/۱۴۳).

در پایان این بخش ذکر دو نکته حائز اهمیت است. نخست آنکه اگر بار دگر به شأن نزول‌هایی که به عنوان قرائن مدنی بودن آیات ابتدایی عنکبوت ذکر شده رجوع نماییم، وجه غالب آنها آن است که آیات مذکور را در وصف مسلمانانی که مهاجرت نکرده و حاضر به استقامت در ایمان نبودند، معرفی نموده‌اند. هرچند آن شأن نزول‌ها عباراتی دارند از جمله آنکه هجرت کردگان برای مسلمانان باقی مانده در مدینه نامه نوشتند و آنان را به هجرت فراخواندند که این روایات تفسیری را مدنی ساخته، لیکن اصل ماجرا و اختلاف جامعه اسلامی بر سر هجرت قطعی و متناسب با فضای مکه است.

دوم آنکه بنابر گزارش‌ها تاریخی فرایند هجرت مسلمانان از اواخر دوران مکه آغاز شده و به تدریج و کندی ادامه داشته است. علت این روند آهسته نیز پنهان کاری شدید مسلمانان در هجرت بوده که مبدا مشرکان آگاه شده و به تعقیب آنان پردازند. از این رو، این روند افزون بر آنکه کند بوده، تعداد مهاجران در هر مرتبه نیز بسیار اندک بوده است. عاقبت این روند تا جایی ادامه یافته که همه مسلمانانی که تصمیم به هجرت گرفتند به مدینه رسیده و پیامبر آخرین نفری بود که مکه را ترک گفت. براین اساس انتهای هجرت خروج پیامبر بوده و ابتدای آن مدتها قبل (به طور تخمینی یک الی دو سال قبل از هجرت پیامبر) آغاز شده بوده است (احمدعلی، ۶۰-۶۲). از این رو، آیه ۱۱۰ نحل که به مقوله هجرت می‌پردازد را برحسب جایگاه این سوره که هفتادمین سوره مکی است (دروژه، ۱/۱۶)، می‌توان آغاز فرایند هجرت دانست که با بشارت به آینده مؤمنان را به مهاجرت فراخوانده و آیات عتاب آمیز سوره عنکبوت را که مسلمانان

سست ایمانی که قصد هجرت ندارند را مذمت کرده و باز مؤمنان را به صبر و توکل در هجرت دعوت کرده، آخرین مراحل این فرایند دانست. درنهایت، به نظر می‌رسد غفلت از این مسئله تاریخی ممکن است این سوء تفاهم را ایجاد کرده که مسلمانان در یک فرایند سریع در پایان دوره مکی هجرت کرده و هرگونه عتابی مبنی بر عدم هجرت برخی از مسلمانان باقی مانده به دوران مدینه مربوط است. لذا، به تبع این باور شأن نزول‌ها اندک تغییراتی یافته تا متناسب با فضای مدینه گردد. درحالی‌که با شناخت فضای نزول سوره عنکبوت، عتاب مسلمانان، کراهت برخی از هجرت و دعوت به استقامت در برابر ابتلائات همگی در بافت سال آخر مکه قابل فهم و معنادار می‌گردد.

پ) وجود فتنه و نفاق در مکه

سومین قرینه مکی بودن آیات ابتدایی عنکبوت، وجود پدیده نفاق و مسلمانان سست ایمان در اواخر دوران بعثت است. این قرینه در حقیقت نقطه مقابل مهمترین دلیل قائلان مدنی بودن آیات مذکور است که معتقدند نفاق پس از هجرت نازل شده و در نتیجه این آیات نیز به ناچار مدنی است. نکته قابل توجه آن است که بسیاری از مفسران نفاق را برخلاف تصور رایج منحصر در مدینه ندانسته و به علل شکل‌گیری نفاق در مکه پرداخته‌اند.

چنانکه صادقی تهرانی نه تنها نفاق در مکه را عجیب ندانسته؛ بلکه به سبب آنکه مؤمنان در مکه شدیدترین فتنه‌ها و آزارها را از سوی مشرکان تحمل می‌نمودند؛ این محیط را بستر مناسبی برای سست شدن ایمان برخی مسلمانان و در نتیجه شکل‌گیری نفاق معرفی کرده است (صادقی، ۲۳/۲۹).

ابن عاشور نیز منافقان مطرح در سوره عنکبوت را کسانی معرفی کرده که در مکه اسلام آوردند اما همچنان با مشرکین نیز پیوندهای مشترک داشتند. سپس زمانی‌که در راه اسلام با آزارها مواجه شدند، صبر نکرده و به کفر قبلی خود بازگشتند، لیکن ارتدادشان را از مسلمانان کتمان می‌نمودند و منافقانه رفتار می‌کردند. در نتیجه این آیات پیش از هجرت و البته در آستانه آن که روند اسلام رو به رشد بوده، نازل شده است. زیرا این قسم از مسلمانان مرتد، زمینه‌های پیروزی را در آتیه اسلام می‌دیدند که مسلمان شدند اما با مقوله هجرت مواجه شدند درحالی‌که تحمل آزار مشرکان و جلای

وطن را نداشتند. ابن عاشور این برداشت را به جابر بن زید و ضحاک نیز منتسب ساخته است (ابن عاشور، ۲۰ / ۱۴۰-۱۴۱). دیگران مفسران هم مسلمانان مذمت شده در آیات مذکور را به مسلمانانی که در راه حفظ عقیده توحیدی حاضر به تحمل آزارها نبودند، معنا کردند (فضل الله، ۱۸ / ۲۳).

دروزه نیز دلایلی را در خصوص آنکه آیات ابتدایی عنکبوت که در بافت مکی نازل شده و مسلمانان از دین برگشته مکه را خطاب قرار داده، بیان کرده است. اولین دلیل دروزه در مکی بودن آیات مذکور، تصریح بر مورد آزار قرار گرفتن مسلمانان در آیه ۱۰ است که موجب نفاق برخی مسلمانان می‌گردد. وی این نوع آزار را مناسب با بافت مکه دانسته که مسلمانان به سبب اسلام مورد شکنجه و اذیت قرار می‌گرفتند. دروزه از یکسو این تصور عمومی که نفاق منحصر در مدینه است را رد کرده و از دیگرسو واژه نفاق در آیه ۱۱ این سوره را متفاوت از منافق مصطلح دانسته و در توصیف نفاق در آیات ابتدایی عنکبوت که در مکه واقع شده چنین نگاشته: تعبیر «الْمُنْفِقِينَ» در این آیات به معنای کسانی است که قلب‌های مریض دارند؛ کسانی که در مرز میان ایمان و کفر مانده‌اند و در مقاومت برای اسلام در برابر فشارهای مشرکان تردید دارند. با این تعریف چنین گروهی قطعاً در صفوف مسلمانان مکه قابل مشاهده هستند. دومین دلیل دروزه در مکی بودن این آیات نیز مشابهت آنها به آیه ۱۰۶ نحل است. وی تصریح آیه ۱۰۶ نحل بر این مسئله که برخی مسلمانان مکه مرتد شده و از ایمان بازگشته‌اند را مؤیدی بر وجود منافقان یا همان تردید کنندگان در اسلام در مدینه دانسته است (دروزه، ۵ / ۴۷۰-۴۷۳).

علامه طباطبایی تصریح آیه ۱۰ مبنی بر آنکه منافقان در برابر اذیتی که در راه خدا می‌شوند به سستی می‌گرایند را دلیل نزول مکی این آیه بیان کرده است. زیرا در مدینه مسلمانان از کسی آزار و اذیت ندیدند، بلکه در مکه شکنجه شدند. با این وجود اگر از عبارت "فَإِذَا أُوْذِيَ فِي اللَّهِ..." آزار در راه دین به طور مطلق برداشت شود، این آزارها هم در مکه و هم در مدینه قابل وقوع است. علامه در ادامه نیز به سؤالی مقدر پاسخ داده و فرموده: دلخوشی منافقان به نصرت مسلمانان مستلزم فتح و غنیمت نیست که تصور شود این آیه در مدینه نازل شده که مسلمانان نصرت و پیروزی داشتند. بلکه

نصرت الاهی مصادیق دیگری نیز دارد که خداوند با آن گشایشی به کار بندگانش بدهد. اما نکته مهم‌تر آن است که این آیه نفرموده وقتی نصرت به آنها می‌رسد منافقان خود را مسلمان می‌خوانند؛ بلکه فرموده: اگر نصرتی به آنان برسد منافقان خود را داخل در صفوف مسلمانان می‌نمایند. در نتیجه آیه شریفه از آینده و وضع حال آنان خبر داده نه از چیزی که محقق شده است (طباطبایی، ۱۶/۱۵۸-۱۵۹).

درنهایت، به نظر می‌رسد در سال‌های حضور پیامبر در مکه به اواخر بعثت نیز به شکل ویژه‌ای باید نگریست. زیرا فتنه‌ها چنان برای مسلمانان سخت و طاقت فرسا شد که علی‌رغم همه دشواری‌ها و برخلاف میل پیامبر و یارانش، مؤمنان ناچار به مهاجرت از آن دیار شدند. مهاجرت با توجه به سختی‌ها و خطراتی که هجرت مکه به مدینه در برداشت، به روشنی نشانگر دشواری غیرقابل وصف دینداری در فضای فتنه آلود مکه خواهد بود. لذا، فشار و شکنجه مشرکان از یک‌سو و خطرات و دشواری هجرت از دیگر سو مسلمانان سست ایمان را مجاب کرده تا به شرک بازگردند و یا دست کم با عقب نشینی از برخی موازین خود همچنان در مکه باقی بمانند و هجرت نکنند. همچنین، از آیات نخستین عنکبوت نیز می‌توان استنباط کرد که این گروه از مسلمانان با انتخاب آیین جدید انتظار زندگی مادی بهتری را داشتند، لیکن امیدشان تبدیل به یأس شده و در برابر مشکلات در حقانیت پیامبر تردید کرده‌اند که خداوند این سوره را با بیان سنت ابدی خود در آزمایش مؤمنان آغاز نموده است.

در پایان، این نکته نیز خالی از لطف نیست که صادقی تهرانی با تکیه بر حروف مقطعه مشترک میان سوره عنکبوت و سوره بقره که اولین سوره مدنی است، بر این باور شده که میان سوره عنکبوت و بقره فاصله نزول اندکی برقرار بوده که در هر دو «الم» در آیه اول تکرار شده است. از این رو، عنکبوت را آخرین سوره مکی دانسته که با اولین سوره مدنی فضای نزول مشترک یافته است (صادقی، ۹/۲۳).

نتیجه

دیدگاه مفسران در خصوص کیفیت نزول سوره عنکبوت را در سه محور می‌توان پی گرفت. نخست، کسانی که با تکیه بر شأن نزولی درباره ایمان سعدبن ابی وقاص ذیل آیه ۸، قائل به نزول آن در سال اول بعثت هستند. درحالیکه از یک سو آیه مذکور کاملاً به

آیات همجوار خود پیوسته بوده و امکان نزول مستقل ندارد و از دیگرسو شأن نزول مورد استناد نیز ذیل ۳ آیه مکی دیگر نیز تکرار شده که این امر موجب بی‌اعتباری آن گردیده است.

دوم کسانی که با استناد به اقوال برخی متقدمان و روایات شأن نزول و تکیه بر دو تصور عمومی مبنی بر انحصار موضوع نفاق و جهاد در مدینه، قائل به نزول مدنی ۱۰ آیه اول عنکبوت شده‌اند. درحالیکه اقوال متقدمان و روایات شأن نزول، هریک دارای تعارضات جدی و غیرقابل اعتماد است. از دیگرسو اغلب مفسران با توجه به عبارت آیه ۶ مبنی بر جهاد با نفس، این جهاد را به استقامت در راه حق و صبر و بردباری و نه قتال معنا نمودند. همین طور که برخی مفسران با تبیین زمینه‌های نفاق در مکه، وجود منافقان را در اواخر دوران بعثت نیز اثبات کردند.

سوم، کسانی که با تکیه بر اقوال گروهی دیگر از متقدمان و سیاق منسجم و پیوسته تمامی آیات سوره عنکبوت، نزول این سوره را در آستانه هجرت پیامبر اعلام کرده و هدف اصلی آن را تشویق مسلمانان به هجرت دانسته‌اند. از این رو، منافق در آیات ابتدایی این سوره را به مرتدان از دین اسلام که ارتداد خود را مخفی نگاه داشته یا کسانی که با پذیرش سازشکاری با مشرکان و عقب نشینی از موازین توحیدی حاضر به هجرت نبودند، معنا کرده‌اند که با بافت مکه در سال‌های آخر بعثت کاملاً همخوان است. در نتیجه، سوره عنکبوت از ابتدا تا انتها به طور پیوسته، در آخرین روزهای حضور پیامبر (ص) در مکه و در آستانه هجرت نازل شده است.

منابع

علاوه بر قرآن کریم؛

- ۱- ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، *التفسیر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- ۲- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ۳- ابن عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسه التاریخ.
- ۴- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، به کوشش علی محمد بجای، بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۲ق.
- ۵- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۶- ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *غریب القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
- ۷- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۸- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- ۹- احمد علی، صالح، *دولت رسول خدا (تاریخ تفصیلی - تحلیلی مدینه)*، ترجمه هادی انصاری، قابل دسترسی در پایگاه اینترنتی مرکز اطلاع رسانی الغدیر^۱، ۲۹/۱۳۹۶ش.
- ۱۰- بلاذری، أحمد بن یحیی، *انساب الأشراف*، به کوشش سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- ۱۱- بهجت پور، عبدالکریم، *تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- ۱۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، به کوشش محمد عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۱۳- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، *جواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، به کوشش

1. <http://www.ghadeer.org/Book/1520>

- محمد علی معوض و عادل احمد عبد الموجود، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۱۴- ثعلبی، احمد بن ابراهیم، *الكشف و البیان عن تفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۱۵- دروزه، محمد عزت، *التفسیر الحدیث*، قاهره، دار احیاء الكتب العربیة، ۱۳۸۳ق.
- ۱۶- زمخشری، محمود بن عمر، *الكشاف*، بیروت، دارالكتاب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۱۷- سمرقندی، نصر بن محمد، *بحر العلوم*، به كوشش محمود مطرجی، بیروت، دار الفكر.
- ۱۸- شیخ طوسی، محمد بن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، به كوشش احمد قصیر عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۱۹- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- ۲۰- طبری، محمد بن جریر، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- ۲۱- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی و دیگران، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ش.
- ۲۲- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، به كوشش محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۳- فخر رازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۰ق.
- ۲۴- فضل الله، محمد حسین، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
- ۲۵- قاسمی، محمد جمال الدین، *محاسن التأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- ۲۶- قطب، سید، *فی ظلال القرآن*، قاهره/ بیروت، دار الشروق، ۱۴۱۲ق.
- ۲۷- قمی، علی بن ابراهیم، *التفسیر*، به كوشش طیب موسوی جزایری، قم، دارالكتاب، ۱۳۶۳ش.
- ۲۸- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران، انتشارات ناصر خسرو،

۱۳۶۴ش.

- ۲۹- گنابادی، سلطان محمد، *بیان السعاده*، بیروت، اعلم، ۱۴۰۸ق.
- ۳۰- ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
- ۳۱- مراغی، احمد بن مصطفی، *التفسیر*، بیروت، داراحیاء التراث.
- ۳۲- مقاتل بن سلیمان بلخی، *التفسیر*، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
- ۳۳- واحدی، علی بن احمد، *اسباب نزول القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- ۳۴- هود بن محکم، *التفسیر*، الجزیره، دارالبصائر، ۱۴۲۶ق.

